



دبیرخانه شورای اطلاع رسانی دولت

گفتمانی برای ایران

راهبرد ارتباطی و اطلاع رسانی دولت وفاق ملی

ویرایش دوم - دهه فجر ۱۴۰۴



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گفتمانی برای ایران

راهبرد ارتباطی و اطلاع رسانی دولت وفاق ملی

دبیرخانه شورای اطلاع رسانی دولت

ویرایش دوم - دهه فجر ۱۴۰۴



دوستانی از مسئولان کشور که با مردم حرف می‌زنند، راوی قدرت و قوّت و امکانات کشور باشند - مثل این صحبتی که امروز آقای رئیس‌جمهور کردند - راوی ضعف‌ها نباشند. بله، ما ضعف داریم، نقص داریم، کمبود داریم؛ کدام کشور ندارد؟ لکن قوّت‌هایی داریم، توانایی‌هایی داریم، کارهایی شده، تلاش‌هایی شده؛ این‌ها را روایت کنیم و به مردم بگوییم. هم مطبوعات در این زمینه مسئولند، هم صداوسیما مسئول است، و بیش از همه خود مسئولان دولتی مسئولند که وقتی جلوی مردم پشت آن بلندگو قرار می‌گیرند، راوی ضعف و ناتوانی و ناامیدی و مانند این‌ها نباشند.

آقای رئیس‌جمهور الان حدود نیم ساعت صحبت کردند؛ همه نقطه‌ها [در صحبتشان] نقطه‌های قوّت بود. بنده البته آشنایی با مسائل اجرائی دارم، سال‌ها در اجرا بوده‌ام، می‌دانم که فاصله بین خواستن و تصمیم‌گیری کردن با شدن، فاصله کمی نیست - این را همه می‌دانیم - اما اینکه

انسان بخواهد، اینکه انگیزه داشته باشد، اینکه همت داشته باشد، اینکه امیدوار باشد که خواهد توانست، بخش مهمی از عامل تحقّق خواسته‌ها است. این، آن مطلب لازمی بود که من واقعاً به خاطر این صحبت‌ها هم از آقای دکتر پزشکیان تشکر می‌کنم.

مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت

۱۶ شهریور ۱۴۰۴



من به شما قول می‌دهم با وحدت و انسجام خواهیم توانست تمام مشکلات موجود را یک به یک مرتفع کنیم، این در شرایطی است که دشمنان در تلاشند مانع وحدت ما شوند و تمام برنامه‌ها و نقشه‌های آنان در راستای ایجاد تفرقه و چند دستگی در ایران و سپس موج‌سواری و پیاده کردن توطئه‌های پلیدشان است. اما ما چنین اجازه‌ای به آن‌ها نخواهیم داد و با پشتیبانی و هدایت‌های داهیانیه مقام معظم رهبری در مسیری که ایشان ترسیم کرده‌اند با قدرت قدم برخواهیم داشت و تلاش خواهیم کرد که با همسایگان این سرزمین و این منطقه با برادری و با احترام متقابل زندگی کنیم.

بیایید بر اساس آیین و باور اعتقادی و بر اساس عدالت و حق تلاش کنیم که حقوق اقوام، مذاهب و جنسیت‌ها را عادلانه اعمال کنیم و دست به دست هم بدهیم و در مقابل فساد و فحشا و رانت و ظلم و جنایت بایستیم همانگونه که تاکنون ایستاده‌ایم و خواهیم ایستاد و اگر قرار است اتفاقی هم بیفتد ما تا پای جان در خدمت به این مردم می‌مانیم، به حول و قوه خدا.

**سخنرانی رئیس‌جمهور پزشکیان در جشن چهل‌وششمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی
۲۲ بهمن ۱۴۰۳**

ایام الله دهه مبارک فجر، فرصت مغتنمی در ذکر آثار و برکات انقلاب شکوهمند اسلامی سال ۱۳۵۷، عملکرد دولت‌های برآمده از آن و سیر رو به تکامل تحقق خواست‌ها، آرمان‌ها و انتظارات مردم است.

دهه فجر ۱۴۰۴، در شرایط ویژه‌ای برگزار می‌شود؛ ایستادگی قهرمانانه نیروهای مسلح و همراهی افتخارآمیز مردم در جنگ ۱۲ روزه در خرداد و تیرماه، رخدادهای تلخ دی‌ماه و تهدیدات نظامی دولت آمریکا، توجه هرچه بیشتر به آرمان‌های اصیل انقلاب اسلامی، «استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی» و تبیین گفتمانی آن و نسبت دولت چهاردهم با منظومه فکری و راهبردی انقلاب را ضروری می‌کند.

❧ در وجه تبیین گفتمانی باید به چند سؤال پاسخ داد:

- ۱- دولت چهاردهم چه نسبتی با انقلاب اسلامی دارد؟
- ۲- دیدگاه‌های دولت چهاردهم چه نسبتی با شرایط و نیازهای امروز دارد؟
- ۳- اقدامات دولت چهاردهم چه نسبتی با آینده دارد؟

۱- دولت چهاردهم چه نسبتی با انقلاب اسلامی دارد؟

در منظومه فکری انقلاب اسلامی، «عدالت» نه صرفاً یک شعار یا رؤیا که اساس دین است؛ چنانکه امام خمینی (ره) بنیانگذار عظیم الشان انقلاب اسلامی می‌فرماید:

«اسلامی که اساسش بر عدل است و بزرگتر مقامش با کوچکتر مقامش در مقابل عدل علی السواء هستند. (صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۰۹)

«باید این امتیازات از بین برود و همه مردم علی السواء هستند با هم و حقوق تمام اقشار به آن‌ها داده می‌شود. (صحیفه امام، ج ۵، ص ۲۳۷)

چنانکه رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای فرمودند، در انقلاب اسلامی،

«عدالت یک ارزش مطلق است؛ یعنی هیچ جا نداریم که عدالت بد باشد. خب، در جمهوری اسلامی این وضعیت وجود داشته، سرلوحه‌ی دغدغه‌های نظام از اول انقلاب بوده؛ در بخش اجرای عدالت، انصافاً کارهای زیادی هم انجام گرفته؛ لیکن راضی‌کننده نیست. بعضی از دوستان در توصیف آنچه که انجام گرفته، اطلاعات و آمارهای خوبی دادند؛ در زمینه‌ی کارهایی که انجام گرفته، شاید اطلاعات من بیشتر باشد؛ می‌دانم کارهای وسیعی از اول انقلاب انجام گرفته؛ لیکن مطلقاً راضی‌کننده نیست. آن چیزی که ما نیاز داریم، آن چیزی که ما دنبالش هستیم، عدالت حداکثری است؛ نه صرفاً در یک حد قابل قبول؛ نه، ما دنبال عدالت حداکثری هستیم؛ ما می‌خواهیم ظلم در جامعه نباشد. تا این مرحله خیلی فاصله داریم. بنابراین برای این باید تلاش کرد.

(دومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع عدالت، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۰)

تأکیدات مکرر رهبر معظم انقلاب، توجه به عدالت به عنوان «محور انقلاب» و عدم فراموشی «ارزش عدالت» در کنار ارزش‌های دیگر است. اولین توصیه ایشان به دولت نهم این بود که

«در عمل، رسیدن به عدالت مشکل است؛ حتی شناختن موارد عدالت و مصادیق عدالت هم گاهی خیلی مشکل است؛ کجا عدالت است، کجا بی‌عدالتی است. من نمی‌خواهم الان عدالت را تعریف کنم که چیست. تعریف‌های کلی و عمده‌ای از عدالت شده؛ تقسیم عادلانه‌ی امکانات و از این قبیل حرف‌ها، که درست هم هست و محتاج تدقیق و ریزبینی هم هست؛ یعنی شما در هر یک از بخش‌هایتان واقعاً باید ببینید عدالت چیست و با چه چیزی حاصل می‌شود.

من می‌خواهم این نکته را هم عرض کنم که اگر بخواهیم عدالت به معنای حقیقی خودش در جامعه تحقق پیدا کند، با دو مفهوم دیگر به شدت در هم تنیده است؛ یکی مفهوم عقلانیت است؛ دیگر معنویت. اگر عدالت از عقلانیت و معنویت جدا شد، دیگر عدالتی که شما دنبالش هستید، نخواهد بود؛ اصلاً عدالت نخواهد بود. عقلانیت به خاطر این است که اگر عقل و خرد در تشخیص مصادیق عدالت به کار گرفته نشود، انسان به گمراهی و اشتباه دچار می‌شود؛ خیال می‌کند چیزهایی عدالت است، در حالی که نیست؛ و چیزهایی را هم که عدالت است، گاهی نمی‌بیند. بنابراین عقلانیت و محاسبه، یکی از شرایط لازم رسیدن به عدالت است...

بعضی‌ها می‌گویند عدالت یعنی توزیع فقر. نخیر، کسانی که بحث عدالت را می‌کنند، به هیچ وجه منظورشان توزیع فقر نیست؛ بلکه توزیع عادلانه‌ی امکانات موجود است. آن‌هایی که می‌گویند عدالت توزیع فقر است، مغزو

روح حرفشان این است که دنبال عدالت نروید؛ دنبال تولید ثروت بروید تا آنچه تقسیم می‌شود، ثروت باشد. دنبال تولید ثروت رفتن بدون نگاه به عدالت، همان چیزی می‌شود که امروز در کشورهای سرمایه‌داری مشاهده می‌کنیم. (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و هیأت وزیران، ۸ شهریور ۱۳۸۴)

با نگاهی به نظرات و رهنمودهای امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری، می‌توان به چنین تصویری از جایگاه عدالت در راهبردهای کلان جمهوری اسلامی ایران رسید:

الف. عدالت به مثابه اصل دین

ب. عدالت به مثابه ارزش مطلق

ج. ناکافی بودن اقدامات در تحقق عدالت

د. نیاز به عدالت حداکثری

ه. نیاز به عقلانیت و معنویت برای تشخیص مصادیق عدالت

و. تعریف عدالت به مثابه حذف امتیاز، توزیع عادلانه امکانات موجود

به جای توزیع فقر

با این تعریف باید نسبت دولت چهاردهم با بنیادی‌ترین اصل انقلاب اسلامی را واکاوی کرد.

۷

چارچوب فکری و رفتاری دکتر مسعود پزشکیان از دوره نمایندگی مردم در مجلس شورای اسلامی تا امروز در جایگاه ریاست جمهوری اسلامی ایران بر محور «عدالت» و «انصاف» بوده است. تلقی او از عدالت دارای بیشترین انطباق با خواست و ساخت انقلاب اسلامی است:

تمام حرف‌هایی که من در مناظرات می‌گفتم و اصولی که بر آن معتقد بودم حق و عدالت بود و من وعده خاصی ندادم اما آنچه که گفتم برای احقاق حق مردم بود؛ ما به دنبال آن هستیم که حق هر کسی به او برسد. (۲ مرداد ۱۴۰۳)

اینکه اجرای عدالت را شعار محوری فعالیت دولت چهاردهم اعلام کردیم، برای این نبود که بر مبنای این شعار باز هم دسته‌بندی و دعوا به راه بیندازیم، بلکه این شعار را مطرح کردیم تا حول آن وفاق کرده و دعوا و اختلاف را خاتمه دهیم؛ براساس فرهنگ قرآنی حتی شناعت قولی نباید باعث فروگذارن منش و خدمتگزاری عادلانه ما شود. (۲۱ مهر ۱۴۰۴)

تحقق عدالت در جامعه با شعار ممکن نیست؛ بلکه تنها از مسیر رفتار عادلانه و اصلاح عملکرد مسئولان امکان‌پذیر خواهد بود. برداشت ما از عدالت این است که اگر حاکمیت قرار است منابعی را توزیع کند، این منابع باید به همه مردم تعلق گیرد؛ بدون توجه به اینکه افراد چه دیدگاه، باور، قومیت یا جنسیتی دارند. عدالت اقتضا می‌کند که برخورد با همه شهروندان یکسان و منصفانه باشد. (۱۱ بهمن ۱۴۰۴)

هر طرحی در زمینه رفع ناترازی و مدیریت توزیع و مصرف باید مبتنی بر عدالت و تخصیص سهمیه به همه شهروندان ایرانی باشد. (۲۷ اسفند ۱۴۰۳)

این گفتمان پایه اساسی راهبردها و کلان‌پروژه‌های دولت چهاردهم در عدالت آموزشی، عدالت سلامت، رفع ناترازی، حذف ارز ترجیحی و اصلاحات اقتصادی و... است.

۲- دیدگاه‌های دولت چهاردهم چه نسبتی با شرایط و نیازهای امروز دارد؟

«وفاق» نقطه کانونی و محور کلیدی رویکردها و دیدگاه‌های دولت چهاردهم است؛ تعاریف متعدد از وفاق در ادبیات رئیس‌جمهور و اعضا و همفکران دولت و وجوه کارکردی و عملکردی دولت، ابعاد و آثار آن را بهتر مشخص می‌کند.

وفاق تشکیل جبهه متحد برای حل دردها و تأمین منافع مشترک است. وفاق از این نقطه آغاز می‌شود که هیچ فرد و گروهی به تنهایی قادر به شناخت راه‌حل‌های مطلوب نیست و نمی‌تواند بدون همکاری دیگران مسائل اساسی را حل کند.

وفاق، خواهان تمرکززدایی و تفویض اختیار به سطوح مختلف و مردم است. اعتراف به محدودیت‌های شناختی و باور به ظرفیت‌های عمومی، محله محوری و تفویض اختیار به استانداران را به پروژه‌های اصلی دولت تبدیل کرده است که طبق آن، راه حل مطلوب متناسب با واقعیت هر منطقه توسط نیروهای بومی آن منطقه کشف خواهد شد و در آن صورت، آن‌ها خود را مالک مسائل خواهند دانست و با نیروی خود موانع را برطرف خواهند ساخت.

وفاق راه‌حلی برای مسائل بین‌المللی ایران است. آنچه دشمن را ناامید خواهد کرد، همبستگی اجتماعی است. هر چند ملت ایران مقابله با دشمن را به هیچ شرطی واگذار نخواهد کرد، اما راهبرد وفاق در همین ۱۸ ماه نخست نشان داد که مقوم همبستگی اجتماعی است و سرمایه‌ساز بوده و از فعال شدن گسل‌های قومیتی و مذهبی جلوگیری کرده است.

وفاق راه‌حلی برای کاهش ناترازی‌هاست، زیرا مسأله ناترازی نه تنها به علت تحریم‌ها و سرمایه‌گذاری ناکافی در زیرساخت‌ها شکل گرفته است بلکه یکی از علل اصلی آن واهمه سیاست‌گذاران در اصلاح رفتار مصرف‌کنندگان

است. اصلاح ناترازی که زیست و معیشت مردم را تهدید می‌کند، باید مورد وفاق نیروهای سیاسی قرار گیرد تا اصلاح آن را مخاطره‌ای برای از دست دادن قدرت خود تصور نکنند. در فضای وفاق این اصلاح امکان‌پذیر است. وفاق هم پروژه سیاسی و هم پروژه اجتماعی است که پیامدهای عمیق اقتصادی دارد. دولت چهاردهم خواهان مشارکت مردم در هر امر عمومی است و این هدف راهبردی کاملاً اجتماعی است. از مشارکت در ساخت مدرسه و حل مسائل محله گرفته تا مشارکت در سیاست‌های کلان کشور، راهبرد دولت چهاردهم است. به کمک این مشارکت می‌توان نظام اداری را کارآمد ساخت. وفاق سیاسی بدون مذاکره و گفت‌وگوی اجتماعی، شکننده و به عبارت بهتر نافرجام خواهد ماند. انشقاق‌های سیاسی ریشه در تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی دارد. علاوه بر منافع متفاوت و متعارض که در هر جامعه مدرنی وجود دارد، تمدن بزرگی مانند ایران انباشته‌ای از عادات و خلق‌وخوهای فرهنگی است. این تکرر در عین حال یک ثروت بزرگ است که می‌تواند راهگشای مشکلات عدیده باشد.

در پرتو این اصول باید پاسخ دهیم که وفاق چه نسبتی با مسائل اساسی امروز ایران دارد؟

پاسخ: خیلی زیاد.

و تا چه اندازه می‌توان به تحقق معنادار این پروژه امید داشت؟

پاسخ: بستگی به رفتار همه به‌ویژه دولتمردان و نیروهای سیاسی دارد.

وفاق همه جا و همواره امری سخت و دیرپاب است. گذر از گذرگاه‌های سخت و حفظ آن نیازمند مشارکت همه از جمله اندیشمندان و اساتید است.

وفاق افق و راه دیگری است که تنها به کمک یکدیگر می‌توان ترسیم کرد. راهبرد دولت چهاردهم در تحقق وفاق ملی مبتنی بر همین رویکرد است: حل و فصل مسأله با اتکا به مشارکت مردمی.

در دولت وفاق دولت همه‌کاره نیست بلکه همکار است؛ دولت متصدی نیست بلکه تسهیل‌گر است؛ دولت انحصارطلب نیست بلکه مشارکت‌جو است. بنابراین در نقشه راه حل مسائل کشور، دولت عامل وصل نیروهای حاکمیتی و مدنی است. چون مسائل اساسی کشور را ذیل یک فهم مشترک تعریف می‌کند، دست تفاهم به سوی همه دراز می‌کند و با رویکرد اقناعی و اثباتی، به دور از حاشیه‌سازی‌های سیاسی و دو قطبی‌تراشی‌های کاذب، سعی در حل آن‌ها دارد. اینکه رئیس‌جمهور تأکید دارد «بدون وفاق نمی‌شود در روند جامعه تغییر ایجاد کرد» مبتنی بر همین باور است. اینکه رئیس‌جمهور از گروه‌های مرجع و کارشناس می‌خواهد برای مسائل اساسی کشور همچون سرمایه‌گذاری و تولید، ناترازی، معیشت مردم و تورم راهکار ارائه دهند، اتکا به همین اصل است که دولت تنها دارنده امکانات نیست، تنها داننده مسائل هم نیست، یگانه رافع مشکلات نیست، تنها دافع موانع هم نیست؛ بنابراین تا حول مسأله‌ای فهم مشترک شکل نگیرد – که ابزار سنجش آن دوری یا نزدیکی به حق و عدالت است – تا این مسأله عمومیت پیدا نکند که همه قوا و نهادها و گروه‌ها و مردم بر سر آن به یک اجماع نظری برسند، نمی‌توان امید همفکری و همکاری و هم‌افزایی داشت.

با ایجاد این گستره همگانی، ظرفیت مردمی و مشارکت بخش‌های خصوصی، خیرین و نهادهای مدنی و صنفی نیز فعال می‌شوند چون دولت خود را نه بی‌نیاز از کمک آن‌ها می‌داند و نه بی‌تفاوت به آرای آن‌ها. این همان التزام

دولت وفاق ملی است به رهنمود مقام معظم رهبری در مراسم حکم تنفیذ ریاست جمهوری دکتر پزشکیان که فرمودند:

«ملت ما ملت بزرگی است. در میان ملت ما کسانی که صاحب فکرند، صاحب ابتکارند، صاحب تجربه‌اند، صاحب آراء جدیدند، بی‌شمارند؛ وقتی انسان پای صحبت این و آن می‌نشیند، این قدر حرف نو، فکر نو، ابتکار نو در سخنان گوناگون افراد در قشرهای مختلف می‌شنود که شگفت‌زده می‌شود. پیشنهادهایی که به صورت مکتوب می‌دهند، حرف‌هایی که حضوری می‌زنند، آنچه به عنوان اعتراض می‌گویند، آنچه به عنوان پیشنهاد می‌گویند، همه برای انسان از این جهت مؤثره است که نشان‌دهنده فکر نو، ابتکار نو، تجربه خوب و راهگشایی برای آینده است. این [ظرفیت] کشور ما است. من عرض می‌کنم که این یک ثروت عظیم ملی است و از این باید استفاده کرد. دولت محترم و رئیس‌جمهور محترم ان شاء الله برای مردم، با مردم، در میان مردم از این «ظرفیت عظیم مردمی» استفاده کنند و از آن برای رسیدن به اهدافی که ذکر کردند و راهی که می‌خواهند بروند، بهره بگیرند.

دولت چهاردهم ذیل عمل به این رهنمود، کنار مردم است؛ دولت وفاق یا دولت کنار مردم یک شعار نیست؛ بلکه ابتکاری است برای حل مسأله؛ چون در رفع ناترازی انرژی بدون مشارکت آن‌ها در اصلاح الگوی مصرف، در عدالت آموزشی بدون حضور خیرین، در عدالت سلامت بدون همکاری مردم و پزشکان، در دیپلماسی بدون حمایت آن‌ها از تصمیمات کلان سیاستگذاران، در امور فرهنگی بدون مشارکت مردم و هنرمندان هیچ اقدامی موفق نخواهد بود و صرفاً در سطح ایده‌های زیبا و طرح‌های مقبول اما مغفول خواهد ماند.

۳- اقدامات دولت چهاردهم چه نسبتی با آینده دارد؟

دولت چهاردهم، دولت فرداست؛ دولت طرح‌هایی برای آینده؛ دولتی مبتنی بر رفع ۴ دغدغه اصلی:

۱- معیشت ۲- سلامت ۳- آموزش ۴- مسکن

رفع این ۴ دغدغه نه با پروژه‌های زودبازده و طرح‌های نمایشی که با اصلاحات ساختاری و اقدامات زیربنایی میسر است. دولت چهاردهم دولت شجاع است؛ با رویکرد «یک بار برای همیشه»؛ دولتی که انسداد تصمیم‌گیری را با مشارکت جمعی شکسته و به استمرار در اصلاحات ساختاری روی آورده است. چه اینکه اصلاح بخشی و مقطعی و تغییرات جزئی نه تنها راهگشا نیست بلکه به چرخه باطل تصمیمات اشتباه کمک می‌کند. از این جهت دولت با اجرای دو طرح «استفاده حداکثری از کارت سوخت شخصی و جلوگیری از افزایش واردات بنزین» و «تضمین امنیت غذایی و بهبود معیشت مردم»، دو تابوی سال‌های اخیر، عدم تصمیم‌گیری درباره افزایش نرخ بنزین و اختصاص ارز ترجیحی به واردکنندگان را شکست. این دو تصمیم ارتباط وثیقی با مبانی عدالت‌محورانه - حذف امتیاز ویژه و توزیع عادلانه امکانات موجود - دارد. مبتنی بر دو عنصر عقلانیت (نظرات کارشناسی) و معنویت (رعایت اصول حق و انصاف و خیر جمعی) برای تشخیص مصادیق عدالت است.

علاوه بر آن رویکرد دولت چهاردهم مصداق باور به همان عدالت حداکثری است که عدالت را نه یک بعدی و تک‌ساحتی که چند وجهی و ساختاری می‌داند؛ در کلیه ابعاد آموزشی، اقتصادی، معیشتی، اجتماعی و... آثار و ثمرات این پروژه‌های زیربنایی در کوتاه مدت نه ولی در آینده ایران کاملاً مشهود خواهد بود؛ پروژه‌هایی که در شرایط اضطرار، نه به عنوان مسکنی موقتی که به عنوان درمانی اساسی معرفی و اجرا شدند و جامعه خسته از دور باطل‌های زیان‌آور و لو با تحمل سختی‌ها، اما با آینده‌نگری آن را پذیرا شده است.

نتیجه‌گیری

«گفتمان دولت چهاردهم دارای ارتباط وثیق معنایی و مبنایی با انقلاب اسلامی است؛ باور به عدالت به عنوان یک اصل تا تبدیل آن به راهبرد رضایت عمومی و مشارکت جمعی جهت تقویت پایه‌های حکمرانی مطلوب.

«وفاق یک اصل بنیادین در منظومه فکری و راهبردی دولت چهاردهم است؛ اصلی برای حل مسائل متعدد جامعه ایرانی با ایجاد یک سامان فکری مشترک در پذیرش ضرورت تغییر و اصلاح و کسب نظرات کارشناسی در اتخاذ بهترین شیوه اجرای آن با کمترین هزینه‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و در نهایت طراحی یک توافق بزرگ برای حل مشکلات بزرگ.

«دولت چهاردهم دولت رفع نیازهای موقت امروز نیست؛ دولت یافتن راه‌های مطلوب برای حل مسائل اساسی جامعه ایران است. دولتی آینده‌نگر، روزمره‌گریز و اهل اقدامات «یک بار برای همیشه».

«دولت چهاردهم دولتی مبتنی بر خودباوری ملی و توان داخلی است؛ تقویض اختیارات دولت به استانداران صرفاً نشانه تمرکززدایی نیست بلکه باور به مشارکت جویی، کارکردگرایی و نتیجه‌بخشی مطلوب‌تر با گذار از الگوی «تصمیم در مرکز، اجرا تا مرز» است؛ واگذاری اختیار تصمیم‌گیری برای حصول بهترین نتیجه از اجرا.



دبیرخانه شورای اطلاع رسانی دولت